

رایس گرفتند .
 منخبیر - فقط شما امضای خود را پس
 گرفتید صورتش توی جیب بنده است .
 مقصود پیشنهاد کنندگان اینطرح
 این بوده است که يك شخصی که عملیات
 او بواسطه يك شرکتی که با منابع خارجی
 دارد اسباب نگرانی است از دولت تقاضای
 امتیازی کرده بود و در تحت يك تائیداتی
 آن امتیاز بمجلس آمده .
 و اینکه آقای آقا سید یعقوب اظهار
 کردند لایحه دولت آمده است لوایح زیاد
 از طرف دولت بمجلس میآید .
 این اصلاحاتی که شما نسبت بکلیات
 و مواد پیش نهاد میکنید همه مخالف لایحه
 دولت است و کراراً همین مجلس در يك
 مواقعی لوایح دولت را رد کرده است
 بنابراین بنده تصور میکنم يك اشخاصی
 هستند که بر حسب عقیده مخالف هر انحصاری
 میباشد و این اشخاص با تمام قوای خود
 در تعقیب اینطرح ایستاده اند .
 اما اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند
 یاد گو به رفته اند و آنها را دیده اند ولی
 اینجا مغارج لازم زیادی دارد
 خیر اینطوری نیست و مغارج زیادی
 لازم ندارد .
 السامه در لایحه جان يك خانه ای است
 متعلق بیک زنی است که يك اولادیتیمی هم
 دارد .
 همین خانه يك چاه نفتی که امروز نفت
 او را در می آورند و چراغ روشن می کنند
 همینطور در لنگرود و سایر اطراف گیلان
 بنا بر این بنده تصور میکنم خود آقای
 آقا سید یعقوب که عضو کمیسیون فواید عامه
 هستند خوب بود مخالفت خود را محفوظ
 می داشتند تا زمانی که اینطرح بکمیسیون
 فواید عامه برود
 رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب
 تقاضا کرده اند جلسه ختم شود .
 (همه به بین نمایندگان)
 حاج میرزا عبدالوهاب - بنده
 بعد از رای پیشنهاد میکنم .
 رئیس - يك نفر باید بیاید تا بشود رای
 گرفت .
 (در این موقع آقای آقا سید یعقوب هم از
 مجلس خارج شدند)
 رئیس - خوب جلسه را ختم میکنیم
 رای در این موضوع میماند برای روز شنبه
 در درجه اول .
 بعد در زمانی تقاضائی که آقای کفیل
 معارف کرده اند .
 راپرت کمیسیون معارف راجع به
 استخدام يك نفر معلمه برای دارالمعلمت
 بعد اگر تقاضاهای دیگری دارید بفرمائید
 چون همه کافی نیست روز شنبه رای
 می گیریم .
 (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی :
 مؤمن الملك
 منشی : علی اقبال الممالک
 منشی : معظم السلطان
جلسه صدوسی و هفت
صورت مشروح مجلس
یوم شنبه هفدهم برج
حوت ۱۳۰۳ مطابق
یازدهم شعبان ۱۳۴۳
 مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر
 برپاست آقای مؤمن الملك تشکیل
 گردید .
 (صورت مجلس یوم پنجشنبه یازدهم
 حوت را آقای آقامیرزا جوادخان قرائت
 نمودند)
 رئیس - آقای مدرس
 (اجازه)
 مدرس - قبل از دستور عرض
 دارم .
 رئیس - آقای اخگر
 (اجازه)
 اخگر - بنده هم قبل از دستور عرض
 دارم .
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 (اجازه)
 آقا سید یعقوب - عرض بنده هم قبل
 از دستور است
 رئیس - آقای امیر حشمت
 (اجازه)
 امیر حشمت - قبل از دستور عرض
 دارم .
 رئیس - آقای عماد السلطنه
 (اجازه)
 عماد السلطنه - بنده راجع بدستور
 عرض دارم .
 رئیس - آقام نظام التولیه .
 نظام التولیه قبل از دستور عرض
 دارم .
 رئیس - آقای ضیاء الواعظین
 ضیاء الواعظین - بنده هم قبل از
 دستور عرض دارم
 رئیس - آقای رهنما
 (اجازه)
 رهنما - عرض بنده هم قبل از دستور
 است .
 رئیس - در صورت مجلس مخالفی
 نیست ؟
 بعضی از نمایندگان - خیر
 رئیس - آقای مدرس
 (اجازه)
 مدرس - تقریباً از اول دوره چهارم
 کدر حقیقت بعد از جنگ عمومی دنیا باشد
 در کلیه دنیا مسئله اقتصاد يك اهمیت فوق
 العاده پیدا کرد و بالخصوص در ایران که
 از اول دوره چهارم چه در میانه مردم وجه
 در مجلس شورایی مسئله اقتصادیات
 اهمیت فوق العاده پیدا کرده است

(جمعی از نمایندگان صحیح است)
 و حق هم هست بواسطه اینکه امور
 بازرگانی عموم مردم باید از راه فلاح و
 زراعت و صناعت و تجارت اداره شود .
 بواسطه وضعیاتی که دردناک پیش آمد هر
 مملکتی هر جائی نسبت بخودش در این سه
 مسئله نكس پیدا کرده البته فلاح و زراعت
 امنیت و فراغت میخواهد و همین تجارت
 و صناعت امنیت و فروش میخواهد - و این از
 واضعانی است که محل اشتباه و شبهه نیست
 و همیشه از اول دوره چهارم مخصوصاً دولت
 هائی که تشکیل شد اهتمام داشتند که در
 این زمینه يك خدماتی بکنند
 لیکن متأسفانه تا امروز تمامش بحرف
 گذشته است .
 در همان دوره هم کمیسیون فواید عامه
 و کمیسیونهای دیگر در این مقوله صحبت ها
 داشتند و موفقیتی پیدا نشد -
 تا در این دوره که در حقیقت دنباله
 دوره سابق بود یکی از چیز هائی که منظور
 شد امتیاز معادن بود که اگر خاطر آقایان
 باشد یکماده پر گرام محقق هر دولتی این
 بود .
 باین واسطه هم يك امتیاز نفت شمالی
 مطرح بود و قانونی هم برایش گذشت و
 مدتها زحمت کشیده شد
 رئیس - آقا میخواهید دخل در موضوع
 فقط بشوید ؟
 هدس - بنده در کلیه اقتصادیات
 عرایض دارم یک قسمتش هم مربوط به نفت
 است .
 رئیس - راجع براپرت کمیسیون
 مبتکرات پر روز اینجا مذاکراتی شد و بنا
 شد امروز رای رای بگیریم - کسی حق
 مذاکره ندارد .
 مطابق نظاماتی که هست اگر
 میخواهید ایشان حرف بزنند دیگران هم
 باید حرف بزنند .
 مدرس - حرف بزنند . بعلاوه بنده
 روز چهارشنبه هم نبودم .
 رئیس - بنده مطابق نظامنامه نمی
 توانم اجازه بدهم .
 ملك الشعراء - رای بگیرد .
 (همه به بین نمایندگان صدای زنك رئیس -
 دعوت بسکوت)
 (خطاب با آقای مدرس) اگر
 راجع به اقتصادیات صحبت میخواهید
 بفرمائید بعد بفرمائید .
 حائریزاده - قبل از دستور است و
 میتوانند صحبت کنند (همه به بین نمایندگان)
 (صدای زنك رئیس - امر بسکوت)
 رئیس - آقای اخگر .
 (اجازه)
 اخگر - مقصود از عرض بنده تذکری
 است به آقایان نمایندگان محترم در خصوص
 پریشانی و استیصالی که منتظرین خدمت
 دچار شده اند .

در این جا مکرر راجع بیش افتادن
 حقوق اعضای ادارات و اشخاصی که سر
 خدمت هستند که سه ماه و چهار ماه حقوقشان
 عقب افتاده مذاکرات شده است ولی
 منتظرین خدمت که در بین آنها اشخاصی
 یافت می شود که دو سال و سه سال است .
 بیکار هستند و هیچ عایداتی هم ندارند و در
 تمام زندگانی شان از بین رفته است و در
 اینجا هم تصریح شده است که يك مبلغی از
 بابت حقوق آنها پرداخته شود - با وجود
 اینکه این مسئله در برج میزان تصویب
 شده است و الان نزدیک است برج حوت
 هم تمام شود هنوز چیزی با آنها داده نشده
 است و البته همه آقایان هم میدانند که در این
 شب عیدی چه قدر آنها احتیاج بیول دارند
 اینست که تقاضای کنم بدولت تذکره داده
 شود که حقوق منتظرین خدمت را اگر
 ممکنست تمامش و اگر ممکن نیست يك
 مقدارش را در این شب عیدی به آنها
 بدهند .
بعضی از نمایندگان - صحیح
است .
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب .
 (اجازه)
 آقا سید یعقوب - بنده خواستم
 خاطر دولت و مجلس را متذکر کنم که این
 کتابچه سیزی که از طرف کمیسیون بودجه
 بتمام ماها داده اند و این قلمهای واجب
 و وظیفه که در آن نوشته اند اگر مانگا
 کنیم با این فقری که ما از لحاظ حفظ الصحه
 داریم و همه هم مستحضرند
 در چهار فقره سخنی تهران در يك دهی
 صدویست نفر بواسطه بی دوائی مردانند
 و این نیست مگر بواسطه نقصان حفظ الصحه
 خوبست اعضای محترم کمیسیون بودجه
 توجه کنند
 اگر حقیقتاً محل و عوائد دیگری نداریم
 از همین محل وظایف مبلغی برای حفظ الصحه
 تخصیص داده شود .
 بنده حالا به آقایان عرض می کنم
 بعد از آنکه راپرت کمیسیون بودجه آمد
 ما از جمله کسانی هستیم که مخالفت میکنیم
 مگر اینکه لااقل برای
 حفظ الصحه اطراف تهران (حالا از حفظ
 الصحه ولایات گذشتیم يك مبلغی منظور
 شود و بعد از این که بودجه را به مجلس
 آوردند دیگر آقایان با آن فشار از مارای
 نخواهند که بیائید بودجه رای بدهید والا
 دنیا زیر و زبر خواهد شد .
 رئیس - آقای امیر حشمت .
 (اجازه)
 امیر حشمت - بنده فعلاً عرضی
 ندارم .
جمعی از نمایندگان - وارد دستور
شویم .
 عماد السلطنه - بنده راجع به
 دستور عرضی دارم .

رئیس - بفرمائید
عمادالسلطنه - بنده پیش نهاد
 میکنم طرحی که راجع بمسئله آزادی فقط
 است امروز از دستور خارج شود.
رئیس - بیشنها ی هم در این باب
 شده است قرائت خواهد شد.
عمادالسلطنه - عرض بنده تتمه هم
 داشت.

چون هر کاری بهترش این است که
 از حرمان خودش خارج نشود راجع باین
 قسمت از کمیسیون رایزنی در خصوص
 کمیانی خارج شده ممکن است جزو دستور
 مجلس بشود.
 اشخاصی که با این طرح موافقتند با
 آن رایرت مخالفند و اشخاصی که با آن
 رایرت موافقتند با این طرح مخالفند. در
 آنوقت اظهارات خودشان را بفرمایند
 دیگر لازم نیست دو جا صحبت بکنیم.
رئیس - پیش نهاد آقای تدین قرائت
 می شود.

(شرح ذیل قرائت شد)
 پیشنهاد می کنم - که طرح قانونی
 آزادی فقط کیلان مسکوت عنه بماند.
رئیس - آقای تدین.
 (اجازه)

تدین - بنده مقصودم از این پیشنهاد
 اینست که يك مدتی وقت گرانهای مجلس
 صرف جنجال و مباحثات در يك امری که
 موضوع ندارد نشود و باین سبب پیش نهاد
 کردند از دستور خارج شود
 ممکن است بنده هم با پیش نهاد
 ایشان موافقت کنم.

بنده تعجب میکنم طریق مخالفت با
 يك لایحه منحصر باین نیست که در مقابل
 ما يك طرح قانونی دیگری پیش نهاد
 کنیم.

سر کشیکزاده - در موقعش
 بفرمائید.

تدین - بنده جواب حضرت عالی را
 عرض نمی کنم فقط دعا میکنم که خدا به
 جناب عالی صبر بدهد.

سر کشیکزاده - بنده هم دعا
 می کنم خدا بشما صبر بدهد.

(صدای زنك رئیس - امر بسکوت)
ملك التجار - (خطاب سر کشیکزاده)
 ساکت شو.

سر کشیکزاده - خودت ساکت شو
 مگر رئیس هستی؟

(صدای زنك رئیس)
ملك التجار - تو رئیس مجلس هستی
 که مجلس را شلوغ میکنی؟

(صدای زنك رئیس - دعوت به
 سکوت)

تدین - بنا بر این موافق هستم با
 اینکه از دستور خارج شود و در موقعی که
 رایرت کمیسیون نفت مطرح است آقایان
 میتوانند کاملا عقاید خودشان را اظهار

فرمایند و آقایانی که مخالفند ممکن است
 در موقع شور در مواد یا کلیات آخرش
 رأی ندهند و این بجز راه قانونی معمولی
 است.
 ولی اگر امروز بخواهیم وارد این قضیه
 بشویم بنده میدانم بجز جنجال نتیجه دیگری
 نخواهیم برد به این جهت این تقاضا را
 کردم.

رئیس - تقاضای می کنید مسکوت
 بماند؟
تدین - خبر همانطور که آقای
 عمادالسلطنه تقاضا کردند بنده هم تقاضا
 می کنم از دستور خارج شود.
رئیس - آقای رهنما
 (اجازه)

رهنما - آقای عمادالسلطنه در ضمن
 پیشنهادشان فرمودند لایحه کمیانی نف
 حاضر شده و عنقریب بمجلس می آید و در
 آن موقع ممکن است مخالفین عقاید
 خودشان را بگویند و بخواهند رأی بدهند
 نمیخواهند رأی ندهند ممکن بود آن طرفش
 را هم ملاحظه بفرمایند.

لایحه بامضای پنجاه و پنج نفر رسیده
 است (یعنی پنجاه و پنج نفر پیش حالا چه
 عرض کنم) آن پیش نهاد در ضمن سایر
 طرحها بمجلس آمده ممکن است در این
 قسمتی که حالا بمجلس آمده مذاکره شود و
 مخالفین در آن رأی ندهند ماباید کارها را
 نیمه کاره بگذاریم.

يك لایحه یا طرحی که بمجلس می آید
 باید موافقین و مخالفین مذاکره بکنند و
 دلایل خودشان را بیان نمایند پس از گفتن
 دلایل اکثریت مجلس ما آن قانون را رد
 میکنند یا تصویب میکنند وقتی رد کرد میرود
 و وقتی تصویب کرد باقی میماند.

حالا اگر این فکر را آقایان میفرمایند
 که امروز اکثریت نیست و ممکن است
 بعد اکثریت پیدا شود اینطور نیست.
 زیرا کسانی که امروز موافقت فردا هم
 موافق خواهند بود و کسانی هم که امروز
 مخالفند فردا هم مخالف خواهند بود.

علی ای حال بنده عقیده ام این است
 که امروز همین پیش نهاد مطرح شود و
 تکلیف آن که معلوم شد تکلیف آن لایحه
 هم زودتر معلوم خواهد شد.

رئیس - رأی میگیریم بتقاضای آقای
 عمادالسلطنه تقاضا کرده اند اخذ رأی در
 این طرح از دستور امروز خارج شود -
 مقصود مذاکره نیست چون مذاکره کافی
 شد است - چیز بیکه از دستور خارج میشود
 رأی گرفتن است.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات هم
 کافی نشده است.

رئیس - اگر خاطر آقایان باشد در
 آن جلسه خواستیم رأی بگیریم که آقای
 آقا سید یعقوب رفتند بیرون و عده کافی
 نبود فقط چیز بیکه میماند مسئله رأی گرفتن

است آقایان بیکه این تقاضا را تصویب میکنند
 قیام فرمایند.

(تغلیب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد

عمادالسلطنه - پیش نهاد بنده تتمه هم
 داشت.

رئیس - این راجع با آخر جلسه
 است.

عمادالسلطنه - بسیار خوب
رئیس - رایرت کمیسیون معارف و

خارجه بود چه قرائت میشود
 (اینطور قرائت شد)

کمیسیون خارج لایحه نمره ۵۴۸۰
 دولت را راجع باستخدام مادام آندره هس
 فرانسوی برای ریاست دارالمعاملات تحت
 مطالعه در آورده و استخدام مزبور را از
 نقطه نظر ملیت و تسامعیت تصدیق
 دارد.

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۵۴۸۰
 وزارت معارف را در مورد بحث و مطالعه قرار
 داده و با اساس لایحه مزبور از حیث مدت
 که از ابتدای حمل ۱۳۰۴ لغایت سه سال
 باشد از حیث مبلغ که سالیانه هزار و پانصد
 تومان خواهد بود در باره مادام آندره
 هس فرانسوی برای مدیری و معلمی مدرسه
 دارالمعاملات موافقت مینماید.

کمیسیون معارف لایحه نمره ۵۴۸۰
 وزارت معارف دایر باستخدام مادام آندره
 هس تبعه فرانسه را برای مدیری و معلمی
 مدرسه دارالمعاملات تحت مطالعه در آورده
 با کثرت تصویب و بمجلس شورای ملی
 تقدیم میدارد.

ماده اول دولت مجاز است (مادام -
 آندره هس) تبعه فرانسه را برای مدت سه
 سال از تاریخ اول حمل ۱۳۰۴ (۲۱ مارس
 ۱۹۲۵) برای معلمی و مدیری مدرسه دار -
 المعاملات کتورات نماید

ماده دوم - حقوق (مادام آندره هس)
 از قرار سالی هزار و پانصد تومان خواهد
 بود.

ماده سوم - دولت مجاز است بر طبق
 ماده ۲ قانون کتورات - مستخدمین خارج
 مصوبه ۲۳۰۱ عقرب ۱۳۰۱ سایر شرایط را
 تعیین و کتورات مشارالیه را امضاء
 نماید.

رئیس - در کلیات مخالفی نیست؟
 آقا شیخ محمد علی تهرانی - بنده
 مخالف بودم نوشته ام
رئیس - بفرمائید

تهرانی - بنده نقطه نظر مخالفم از این
 راه است که يك نفر اروپائی که زبان ما را
 نداند - هر قدر عالم و دانشمند و هر قدر با فهم
 باشد برای مملکت مفید نیست.

مگر اینکه زبان ما را هم بداند یعنی
 تعلیماتی را که برای اولاد و نوپا و گان وطن
 لازم است بزبان فارسی تعلیم کند و الا يك
 معلومی که زبان فارسی بلد نباشد در موقع

تعلیم يك مترجم باید بهلویش باشد در
 صورتیکه معلوم نیست آن مترجم هم بتواند
 درست ترجمه کند و مقاصد آن معلم را درست
 بفهمد یا نمیتواند و اگر گرفتاری و اشکال
 مملکت ما برای این است که اشخاصی را
 که استخدام میکنیم و میآوریم در این
 مملکت زبان ما را درست نمیدانند و اطلاع
 ندارند و باین واسطه ما در صدمه هستیم
 علاوه بر این یکی از چیزهایی که خیلی خیلی
 مهم است این است که مادامیکه ما در مملکت
 خودمان اشخاصی داریم.

باز فریب نوازی کرده و اشخاصی را
 از خارج کتورات میکنیم در مقابل بایست
 مقابل آن چیزی را هم که يك نفر ایرانی
 (که همان معلومات را هم داراست) میدهیم
 بآن شخص میدهیم و خود این مسئله باعث
 می شود که هیچ يك از افراد ایرانی درصد
 تکمیل تحصیلات خود بر نیابند بجهت اینکه
 بالاخره می بینند بانام زحمات و صدماتیکه
 که کشیده اند.

شبهارا نخواهند آمد و متصل مشغول
 مطالعه بوده اند.

روزها مشغول مذاکره و مباحثه بوده اند
 باین حال يك نفر خارجی را میآورند در
 صورتیکه معلوماتش یا کمتر یا مساوی با
 اوست در مقابل و بیست مقابل مساوی
 میدهند.

امروز در مملکت ما اشخاصی هستند
 ولو ارمنی هم باشند که این معلوماتی را که
 باین خانم نسبت میدهند دارا می باشند
 و به ماهی بیست تومان هم حاضرند خدمت
 کنند.

الان یکی از آنها را اسمش را عرض
 میکنم مادام وارتور منی که تحصیلاتش
 عالی و در اروپا تحصیل کرده است تصدیق
 هم گرفته است و ستمش هم این سمت هست
 که بتواند در دارالمعاملات تعلیمات عالی
 بکند.

هیچ نظر سیاسی هم ندارد اگر ما
 بواسطه سیاست بخواهیم يك کاری بکنیم
 چه حکار بمعارف داریم ما باید معارف
 مملکتمان را از سیاست خارج کنیم و بدست
 اشخاصی بدهیم که معلومات داخلی داشته
 باشند.

این منتهای بدبختی است لقا خانم
 دختر برهان الملك که يك نفر خانم ایرانی و
 معلومات عالی هم داشت و در همین دار -
 الملمات مشغول خیاطی بوده است شاید به
 ماهی بیست و پنج یا سی تومان هم کتوراتش
 کرده بودند بقدری اسباب دلنگی او
 را فراهم ساختند که عاقبت استعفاء کرد
 آلمانها او را باماهی هفتاد تومان از خدمت
 کردند و بخارج فوق العاده اش را هم دادند
 و فرستادند بآلمان برای گل دوزی این چه
 جهت دارد که مامعلمان اروپائی را بیاوریم
 و متأسفانه هر کس را که آوردیم همین که
 کتوراتش تمام شد يك اصل مسلمی شد و

گفتیم حکماً باید باین باشد یا بدانش یا آری باشد یا بدانش و الا سبب دلنگی خواهد بود ماجر از اول شعر بگوئیم که دوچار ضرورت بشویم بنابراین بنده مخالفم ضباع الواعظین بخیر کتب - بن معارف آقای تهرانی در قسمت کلیات دو فقره اظهار داشتند یکی راجع زبان فارسی که مدیره و معلمه یا مدیر و معلم باید بعد کلیات زبان فارسی را بیاموزد و محتاج به مترجم نباشد.

در این مورد بخصوص آنچه که بنده شنیدم و کمیسیون اطلاع تحصیل کرده است ایشان بعد کلیات فارسی میمانند و از عهده این سستی که وزارت معارف برای ایشان معین کرده ولیاقت هم دارند بدون مترجم بخوبی برمیآیند.

در قسمت دوم که تقریباً میخواهند اشعار بفرمایند که حتی الامکان لازم است مالز بین خود ایرانیها اشتیاقی که لیاقت و کلیات دارند برای اینگونه امور بکار برده بنده عملاً موافقم.

ولی مخصوصاً توجه ایشان را باین موضوع جلب میکنم که در ایران وجود یک مدرسه برای تسون اعزازدارالعملیات یا مدرسه دیگری که بتواند تسون و دخترهای این مملکت را از مدارس دیگری نیاز کند بعقیده بنده در درجه اول از اهمیت است بهر وسیله و تسیمی که هست باید یک مدرسه دایر شود که احتیاج ما را از مدرسی که دیگران تأسیس کرده اند رفع کند و احتیاج ما را از اینکه مدارس رفع میشود دختران ایرانی در تحت نظر معلمین ایرانی وزارت معارف تربیت میشوند مگر اینکه یک مدرسه موافق تحصیلات مخصوصه و معلومات لازمه اداره شود.

آقایان غالباً مسموم هستند دارالعملیات یک مدرسه است که یک تحصیلات مخصوصی دارد و تصدیق نامه سایر مدارس برای معلمی یا مدبری دارالعملیات کلیات نمیکند.

معلمین دارالعملیات مدیران دارالعملیات معلمین دارالعملیات مدیره دارالعملیات باید تصدیق نامه از مدرسه داشته باشند که تحصیلات آن مدرسه مخصوصاً راجع باصول عملی و مدبری مدارس باشد.

یک نفر هر قدر تحصیلاتش عالی باشد نمی تواند در مدرسه دارالعملیات یا دارالعملیات تدریس کند یا آنجا را اداره نماید پس بنظر بنده یکی از خدمات مهم وزارت معارف و مجلس همین بوده است که برای دارالعملیات یک زن اروپائی استخدام کرده که بنا بر اطلاعاتی که کمیسیون رسیده است از تمام جهات چه از حیث اخلاق و چه از حیث دانستن زبان فارسی و معلومات خوب و دارای تصدیق نامه از مدرسه دارالعملیات است و با این ترتیب متناسب

اینکه شوهر ایشان هم در خدمت دولت ایران است از این جهت استخدام ایشان هم بطور اختصاص تقریباً تمام شده است و بنا بر این تصور می کنم این قسمت از فرمایش آقای طهران را راجع بکلیات بعد کلیات عرض شد حاویست وارد در مواد شوهر مدرسه بنده اگر آقایان نظری دارند میفرمایند بنده جواب عرض میکنم.

رئیس - رأی می گیرم برای دخول در شور مواد آقایان که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد - ماده اول قرائت می شود.

ماده اول - دولت مجاز است (مادام اندر هس) تبعة فرانسه را برای مدت ۳ سال از تاریخ اول حمل ۱۳۰۴ (۲۱ مارس ۱۹۲۵) برای معلمی و مدیری مدرسه دارالعملیات کنترات نماید.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در قسمت حقوقش عرض دارم.

رئیس - آقای اخگر - (اجازه)

اخگر - موافقم.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - اگرچه آقای طهرانی آنچه که شاید و باید اظهار کردند بنده هم بنوبت خود عقیده ام را عرض میکنم خدماتی که وزارت معارف از نقطه نظر تربیت اطفال و باره الفاظ دیگر بکار برده گمان میکنم قابل تفسیر باشد.

حالا بنده در جزئیاتش نمی خواهم داخل شوم و نتیجتاً هم که حالا بر این رویه متفرع است.

هروقت دونفری که بهلوی هم می نشینیم و آهسته صحبت میداریم گمان نمی کنم بر هیچ یک از ماها پوشیده باشد.

حالا گفتگود قسمت تسون است که باید متعلق به اخلاق خوب باشند و یک تربیتی داشته باشند که بتوانند با مردم ایرانی سازش کنند و طوری نباشد که دخترهای ایرانی با ایرانی موافقت و سازش نداشته باشند و از هم نفرت داشته باشند.

در هر صورت بنده میخواستم سؤال کنم این شخصی را که میخواهند استخدام کنند از قرار اطلاعاتی که بنده تحصیل کرده ام این شخص بقدری که بتواند امور ما را بچنان خوبی خود را اداره کند؟ این فارسی نمیدانند آنوقت چه طور میتواند در مدارس ایرانی معلمه بشود و مطالب علمی را بمتعلمان و محصلات خودش اقامه کند آنها باید باو تعلیم بدهند یا او باید به آنها چیز بیاموزد و تعلیم بدهد؟

وجه نتیجه از جزد او مترتب خواهد بود؟

در هر صورت گمان می کنید در ایران کسی که بتواند تصدی این کار بشود وجود ندارد؟

بنده تصور میکنم بطوریکه آقای طهرانی فرمودند این مسئله هم جزو تشریفات بشود که اگر این رفت خلفش بیاید.

و بنظر بنده بودجه امروز ما هم این قدر قوت ندارد که هر روز از این قبیل مخارج بر بودجه ما تحمیل بشود.

مخبر - فرمایشی که آقای طهرانی فرمودند و بنده جواب عرض کردم یک قسمت از فرمایش آقای کازرونی را هم متضمن بود که جواب آن عرض شده است.

در قسمت اخیر فرمایشان هم که فرمودند این هم جزو تشریفات می شود.

بنده خاطر محترم ایشان را تذکر میدهم به اینکه کمیسیون مرافقت و سعی داشته است که اوقات اطفال در مدارس ضایع نشود و وقتی که تسون از آن مدرسه بیرون می آیند کار دست می بیند باشد مخصوصاً در این قسمت فوق العاده مراقبت شده است که تحصیلات دارالعملیات طوری باشد که فقط برای تشریفات نباشد و کمیسیون معارف مطمئن شده است که ایشان علاوه بر معلوماتی که برای اداره کردن مدرسه دارالعملیات دارند در کارهای دستی هم مراقبت مخصوصی دارند که برای تسون فوق العاده لازم است و اصول راجع با امور خانوادگی و خانه داری و کار دستی را هم بی عده گرفته اند به اطفال بیاموزند و سعی دارند که کارها به این ترتیبی که عرض شد در کمال خوبی انجام بگیرد و اجرا شود.

پس در این قسمت از فرمایشان هم بقدر لزوم جواب عرض شد.

در حال امیدواریم دارالعملیات ما هم همان طور که تمام علاقه معاندان به معارف و ترقی معارف آرزو دارند در کمال خوبی اداره شده و تسون ایرانی بتوانند تحصیل کرده و از معلومات و تحصیلات عالییه و واقعه برخوردار شوند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رای میگیرم بماده اول آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

رئیس - تصویب شد.

ماده دوم قرائت می شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - حقوق (مادام اندر هس) از قرائت برای هزار و نصد تومان خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در ماده اجازه خواسته بودم نوبت نرسید حالا در این ماده عرایضم را میکنم.

راستی که آقای مخبر متعجبانه جواب بیانات آقایان مخالفین اظهار کردند در واقع نظیر همان بر گرامهای امر غالباً ما به آن دچار می شویم مثلاً میگویند فلان معلم یا معلم طرد نیست بلکه برعکس است و چونچه برای همین مدرسه دارالعملیات که معلم آوردند در مقامین نماندند و باز میمانند و این نکته را باید به آقایان تذکر بدهم و عرض کنم.

خانواده که مردانشان عالم و زبانشان جاهل باشند مثل بدن فالج میمانند و حتی الامکان باید سعی کرد که از همه مرد وزن عالم شوند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده یکی از طرف آقای آقا سید یعقوب ببلایع هزار تومان و دیگری از طرف آقای قائم مقام هزار و دو صد تومان.

آقای آقا سید یعقوب - (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده اول شصت تومان پیشنهاد کرده بودم باورای بگیرم اگر رد شد بعد بسالی هزار تومان را بگیرم.

رئیس - دیگر توضیحی ندارید؟

آقا سید یعقوب - خرید دیگر عرضی ندارم عرایضم همان بود که عرض شد.

رئیس - رای میگیرم به قابل توجه بودن این پیشنهاد یعنی ماهی شصت تومان آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(دوسه نفر قیام کردند)

رئیس - بلی موافقم.

رئیس - بفرمایند.

اخگر - اساساً خوب بود آقای مخالفین ملاحظه میفرمودند که با این وضع مملکت ما نمی شود برای تدریس و تسون مردهای ایرانی را انتخاب کردن زن را باید زن تعلیم دهد و تربیت تو مان و حالا ناچارند زنی را برای تسون در مدرسه دارالعملیات انتخاب کنند خاصه با اینکه آن زن دارای معلومات و تحصیلات عالی باشد بتواند تسون ایرانی را تعلیم دهد لا محاله و امده که از اروپا استخدام نمایند و علاوه بر این تسون را با خرج ایاب و تردید برای خدمت دولت است و فخر امتیاز می شود و ولی در این موقع خوشبختانه این تسون با تحصیلاتی که در اختیار دارد و در طهر فوق العاده است گرچه امروزه صد تومان است و ممکن است با این حقوق کم که ما در وجه قابل نیست لکن برای اینکه کمی صدویست تومان بیشتر نیست او را استفاده می شود. بنده این است که کرد و تا حدی هم زبان فارسی میماند

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای

ص ۹۶۲

مقرمانند بعضی چیزها مرام است پروگرام مشعشع است ولی عملی نیست.

خوب اگر بنا شود این اصل را ما نماند کنیم هیچوقت نباید بانجام هیچ کاری موفق شویم و اگر تا کنون یک کاری از پیش رفته است برای نا امیدی خود ما بوده است.

و به حال اگر هم نشده باشد باید سعی کرد که در کارها موفقیت پیدا کنیم و این دلیل نیست که دارالعملیات ما معلمه خوب لازم نماند باشد و این نکته را باید به آقایان تذکر بدهم و عرض کنم.

خانواده که مردانشان عالم و زبانشان جاهل باشند مثل بدن فالج میمانند و حتی الامکان باید سعی کرد که از همه مرد وزن عالم شوند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده یکی از طرف آقای آقا سید یعقوب ببلایع هزار تومان و دیگری از طرف آقای قائم مقام هزار و دو صد تومان.

آقای آقا سید یعقوب - (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده اول شصت تومان پیشنهاد کرده بودم باورای بگیرم اگر رد شد بعد بسالی هزار تومان را بگیرم.

رئیس - دیگر توضیحی ندارید؟

آقا سید یعقوب - خرید دیگر عرضی ندارم عرایضم همان بود که عرض شد.

رئیس - رای میگیرم به قابل توجه بودن این پیشنهاد یعنی ماهی شصت تومان آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(دوسه نفر قیام کردند)

رئیس - بلی موافقم.

رئیس - بفرمایند.

اخگر - اساساً خوب بود آقای مخالفین ملاحظه میفرمودند که با این وضع مملکت ما نمی شود برای تدریس و تسون مردهای ایرانی را انتخاب کردن زن را باید زن تعلیم دهد و تربیت تو مان و حالا ناچارند زنی را برای تسون در مدرسه دارالعملیات انتخاب کنند خاصه با اینکه آن زن دارای معلومات و تحصیلات عالی باشد بتواند تسون ایرانی را تعلیم دهد لا محاله و امده که از اروپا استخدام نمایند و علاوه بر این تسون را با خرج ایاب و تردید برای خدمت دولت است و فخر امتیاز می شود و ولی در این موقع خوشبختانه این تسون با تحصیلاتی که در اختیار دارد و در طهر فوق العاده است گرچه امروزه صد تومان است و ممکن است با این حقوق کم که ما در وجه قابل نیست لکن برای اینکه کمی صدویست تومان بیشتر نیست او را استفاده می شود. بنده این است که کرد و تا حدی هم زبان فارسی میماند

قائم مقام را تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد.

آقای آقا شیخ جلال پنجاب تومان پیشنهاد کرده اند. (خطاب به آقای شیخ جلال توضیح بدهید.)

آقا شیخ جلال - این بولی که بیک نفر معلمه داده میشود از نقطه نظر کار است که از او بر می آید.

مطابق شرحی که گفته شد خیلی از زندهای عالم ایرانی هستند که این خدمت را به ما می دهند و ما هم قبول می کنیم. بنا بر این بنده معتقدم که همین ماهی پنجاب تومان کافی است.

مخبر - از نقطه نظر تشویق معلمین و مدیران مدارس بنده عرض میکنم که کاملاً باید اینها را دلگرم و راضی کرد زیرا از هر جهت باید خیالشان راحت باشد تا بتوانند کاملاً وظایف خودشان را انجام داده و بشاگردان و متعلمین خود با نهایت مراقبت دروس را بیاموزند از این جهت هر قدر دولت و مجلس شورای ملی بتوانند آسایش خاطر معلمین را بعمل آورد برای مملکت نافع تر خواهد بود.

لذا بنده از آقایان تقاضا می کنم پیشنهاد خودشان را مسترد بدارند.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(دوسه نفری قیام کردند)

رئیس - آقای آقا میرزا بدالله خان پیشنهاد کرده اند هزار و سیصد تومان باشد.

(همهمه بین نمایندگان)

نجابت - مجلس را مسخره کرده اند.

رئیس - (خطاب به آقایان) بفرمایند.

آقا میرزا بدالله خان - همینکه اسم بدالله بیان آمد فوری همه آقایان داد و بی داد میکنند.

بنابر این اینقدرها تصور میکنم مذاکرات موضوع نداشته باشد و همینجاور بن پیشنهادات هم همان می کنم چندان موقعیت نداشته باشد.

و علاوه بکنکه دیگری را باید آقایان در نظر داشته باشند که کترات دوسر دار دو باید برضایت طرفین باشد و حالا اگر ما اینجا بنائیم رأی بدهیم گمان نمیکنم آ طرف قبول کند.

رئیس - رأی می گیرم بپیشنهاد آقای آقا میرزا بدالله خان.

هزار و سیصد تومان آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(عدده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

رای می گیرم بماده دوم آقایان موافقت قیام فرمایند.

دوره پنجم

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

آقا سید یعقوب - بنده پیشنهادی تقدیم کردم.

رئیس - ملک ماده اول را نخوانند ماده دوم را بخوانند.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمایند.

رئیس - تأمل بفرمایند بخوانند.

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهادی دارم که این تبصره در آخر ماده دوم نوشته شود که مادام اندر هس مقام معلم را از درجه مدیریت و معنای آن (بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده اول - دولت مجاز است مادام اندر هس تبعة فرانسه را برای مدت ۳ سال از تاریخ اول حمل ۱۳۰۴ (۲۱ مارس ۱۹۲۵) برای معلمی و مدیری مدرسه دارالعملیات کنترات نماید.

رئیس - موافقم.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده دوم - دولت مجاز است بر طبق ماده دوقانون کترات مستخدمین خارجه مصوبه سی و سوم عرق ۱۳۰۶ سایر شرایط را تعیین و کترات مشارالیه را امضاء نماید.

رئیس - آقای عین الملک

عبدالمملک - موافقم.

رئیس - آقای رهنما.

رهنما - موافقم.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رأی گرفته میشود بماده سوم آقایان موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

مذاکرات راجع بکلیات است

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده می دانم که مجلس رأی داده است در موادش و همینطور در کلیات هم رأی خواهد داد و ورقهای سفیدم حاضر است

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

آقا سید یعقوب - بلی صحیح است اگر غیر صحیح بود رأی نمی دادم.

بنده اولیاء دولت مخصوصاً وزارت معارف را توجیه میدهم بیکساله اینکه در موقع رعایت آنها را نماندند و آن نیست که این کسانی را که ما استخدام میکنیم باید در حدود حقوق خودشان مشغول کار باشند.

باین معنی که نظام نامه ای را که برای آنها معین میکنند و وزارت معارف مشغول اجرای او است باید کاملاً مواد آن را بواقع اجرا بکنند و ملاحظه بکنند که اگر یک نفر تبعة خارجه آمد تمام حقوق

می شود و کاملاً بقرینه بنده این اسم منطبق است با قانون سبج احوال بعلاوه فارسی و در بین عوام هم معمولست مثلاً در سابق گفته میشد فلاکس بی نام و نشانست یعنی هویت ندارد علیهذا بنده پیشنهاد میکنم که نام و نشان نوشته شود.

رئیس- آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس- قابل توجه نشد.

رأی میگیریم بماده اول آقایانی که بماده اول موافقت قیام فرمایند.
(اغالب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس- تصویب شد. ماده دوم.
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم- کسانی که قبل ازین تاریخ متولد شده اند باید سبج احوال خود را به وسیله رئیس خانواده در اوراق اظهارنامه (نسختین) نوشته تسلیم مأمور سبج احوال نمایند نمونه نمره اشخاصی که باید اظهارنامه بدهد همچنین رئیس خانواده که باید به وسیله او اظهارنامه مرتب شود هر گاه از تکلیف خود تخلف ورزند مسئول خواهند بود.

تبصره- اشخاصی که در تحت قیمومیت شرعی هستند قیام خاص آنها و اگر قیام خاص ندارند مدعی العموم یا قائم مقام او باید اوراق اظهارنامه را نوشته تسلیم مأمور سبج احوال نماید.

رئیس- آقای آقا سید یعقوب.
(اجازه)
آقا سید یعقوب- بنده موافقم.
رئیس- آقای رهنما.
(اجازه)

رهنما- بنده هم موافقم
رئیس- آقای طهرانی
(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی-
بنده يك مجملاتی در این ماده می بینم و يك تناقضی؛
اما مجملاتش اینست که می نویسد (کسانی که قبل از این تاریخ متولد شده اند باید . . .) و معلوم نیست که آیا مقصود تاریخ تأسیس سبج احوال است یا تاریخ رسمیت این قانون یا تاریخ تصویب این قانون.
این مسئله باید مین شود.

ثانیاً در تبصره می نویسد (اشخاصی که در تحت قیمومیت شرعی هستند قیام خاص آنها و اگر قیام خاص ندارند مدعی العموم یا قائم مقام او باید اوراق اظهارنامه را نوشته تسلیم سبج احوال نماید.)
يك خانواده دارای صد نفر جمعیت است این جا رئیس خانواده را مسئول قرار نمیدهد بلکه قیام شرعی یا مدعی العموم را مسئول قرار میدهد در حالی که در خود اده مسئول را رئیس خانواده قرار داده

و اگر مفاد تبصره را با مفاد ماده مطابقت کنم می بینم اول میگوید رئیس خانواده مکلف است بمأثر سبج احوال اطلاع بدهد.
ولی در اینجا میگوید باید قیام بیايد و این کار را بکنند و این دو تا بنظر بنده متناقض است.

یعنی عام و خاص است.
علاوه مینوسد رئیس خانواده در اوراق اظهارنامه (نسختین) نوشته تسلیم مأمور سبج احوال نمایند این شخص مثلاً صاحب خط و سواد نبود «اون نوشته» یعنی چه؟ نویسنده یا نوشته؟ نوشته آنست که خودش بنویسد نویسنده یعنی دیگری بنویسد و او ببرد در هر صورت خواه خودش نوشته باشد و خواه دیگری باید او را ببرد بنظر بنده باید اینها معلوم باشد.

مخبر- تصور میکنم آقای طهرانی در شور دوم بگذریم مراجعه فرموده اند به قانون.
آن اشکال اولی را که فرمودند آقای بهبهانی در ماده ۹ پیشنهادی فرمودند و در کمیسیون هم اصلاح شد و از تاریخ تأسیس شعب سبج احوال شد پس آنها که از تاریخ تأسیس شعب سبج احوال در هر جا که متولد میشوند بآن ترتیب است و آتھائی که قبل از این متولد شده اند باین ترتیبی است که درین مواد اولیه ذکر شده و تناقضی را هم که میفرمایند گمان نمیکنم تناقض داشته باشد برای اینکه در اینجا قید شده برای اشخاصی که صغیر نیستند رئیس خانواده و آتھائی که در تحت قیمومیت شرعی هستند قیام آنها یا اگر قیام خاصی ندارند مدعی العموم اطلاع بدهد و هیچ اشکالی هم وارد نمیشود و هیچ حقی هم سلب نمیشود و این هم بر خلاف اصرار است که بعضی دیگر میکنند که میگویند شما تکلیف رئیس خانواده را مشکل کرده اید در هر صورت بنظر بنده این ماده اشکالی ندارد.

بعضی از نمایندگان- مذاکرات کافیست.
(بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس- رأی میگیریم. آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس- معلوم میشود کافیست. رأی میگیریم بماده دوم. . . .
نصرت الدوله- بنده پیشنهادی دارم.
رئیس- پیشنهاد آقای سرکشیک زاده.
(بشرح ذیل خوانده شد)
در ماده دوم پیشنهاد میکنم اینطور نوشته شود کسانی که قبل از تصویب این قانون متولد شده اند مالی آخر.

رئیس- آقای سرکشیک زاده
(بشرح ذیل خوانده شد)
در ماده دوم پیشنهاد میکنم اینطور نوشته شود کسانی که قبل از تصویب این قانون متولد شده اند مالی آخر.

رئیس- آقای سرکشیک زاده
(بشرح ذیل خوانده شد)
در ماده دوم پیشنهاد میکنم اینطور نوشته شود کسانی که قبل از تصویب این قانون متولد شده اند مالی آخر.

(اجازه)

سرکشیک زاده بیک قسم از توضیحات بنده را آقای طهرانی دادند بنظر بنده این قسمت از ماده قدری ابهام دارد آن فرمایشی هم که آقای مخبر فرمودند (پس از تأسیس شعب سبج احوال) اگر دقت فرمایند در طهران که تقریباً چند سال است این مسئله واقع شده است شاید يك عده اشخاصی باشند که از نقطه نظر اینکه این مسئله قانونی نبوده نرفته اند اسم خودشان را ثبت کنند و در ماده بیست و چهارم هم يك مجازاتی قائل شده با این ماده ما چطور میتوانیم آنها را از مجازات مستثنی کنیم این است که بنده پیشنهاد کرده ام از تاریخ تصویب این قانون باشد.

معاون وزارت داخله- برای این که عبارت بیک قدری روشن تر شود و در عمل اشکالی پیش نیاید گمان میکنم خوبست عبارت اینطور شود: کسانی که قبل از تاریخ تأسیس شعب سبج احوال در هر محل متولد شده اند.

رئیس- آقای سرکشیک زاده در پیشنهاد جنابعالی رأی میگیریم
سرکشیک زاده- بنده موافقت میکنم باین پیشنهاد آقای کفیل.

رئیس- پیشنهاد آقای نصرت الدوله.
(بمضمون ذیل قرائت گردید)
بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول جمله رئیس خانواده بمبدل بر رئیس عائله شود.
رئیس- (خطاب بشاهزاده نصرت الدوله) بفرمائید.

نصرت الدوله- عرض میکنم در این قانون خانواده و رئیس خانواده مگر رهت و يك مجازات و مسئولیت هائی هم در بعضی از مواد این قانون برای رئیس خانواده پیش بینی کرده است و باید هم به بینم حدودی را که اقائل می شویم از برای رئیس خانواده چیست؟

چون يك اشخاصی بعنوان رئیس خانواده هستند و بموجب این مواد این اشخاص مسؤولند.
در حالتی که ممکن است در بین يك خانواده يك کسی خودش مستقل باشد.

مثلاً فرض بفرمائید ممکن است پسر هموی بنده يك اسم خانوادگی برای خودش اتخاذ کرده باشد و خودش دارای يك عائله جدا گانه باشد و در دفتر سبج احوال هم جدا گانه عائله خودش را معرفی کرده باشد.

بنابر این مسئول کی خواهد بود در رئیس خانواده مسئول است یا خود او مسئول است این است که بنده پیشنهاد کردم خانواده بمبدل بعائله شود که عائله عبارت می شود از مرد و عیال و اولاد و نوکر و کلفتی که در

آن خانواده هستند و این عبارت نسبت بعال و آئینده و گذشته هم دلالت میکند و این عبارت می گوید که در ماده نوشته شده شاید برای حال و آتی اهمیت ندارد ولی نیست بگذشته اسباب اشکال می شود.

مخبر- فرمایشات حضرت والا صحیح است و در کمیسیون هم نسبت بر رئیس خانواده خیلی صحبت شد و نتوانستیم لفظ دیگری پیدا کنیم.
حالا اگر آقایان لفظ عائله را برای فهم اشخاص بی سواد مشکل نمیدانند بنده هم موافقم ممکن است رأی هم گرفته شود.

رئیس- رأی میگیریم
مخبر- قبول میکنم
رئیس- پیش نهاد آقای سلطان العلماء.

(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیش نهاد میکنم ماده دو این طور اصلاح شود. کسانی که قبل از تصویب این قانون متولد شده اند باید مأمورین اجرا در اوراق اظهارنامه اسامی آنها را در دو نسخه ثبت و نگاهداری نمایند
رئیس- (خطاب بسطان العلماء) بفرمائید.

سلطان العلماء- چون دستور هر جلسه در همان جلسه معین می شود آقایان سابقه ندارند آن اوراق راهم راه ندارند يك نفر از نمایندگان گمان همه دارند سلطان العلماء- بنده ندارم حالا اگر بعضی آقایان دارند چه عرض کنم بنده تصور میکنم در این جا اگر این تکلیف را مامتوجه مأمورین سبج احوال کنیم بهتر است.

یعنی مأمورین سبج احوال موظف باشند که بروند و اسامی اشخاص را که قبل از تصویب این قانون متولد شده اند تحقیق کنند و در يك دفتر بنویسند.

طهران را مقایسه نکنید زیرا تهران اشخاص هم ترتیب شده اند و با سوادند ولی وقتی رجوع کنید بولایات می فهمید که هیچ اصلاً نه رئیس میفهمند نه خانواده و نه عائله میفهمند نه رئیس و مرئوس يك زن است و دوتا بچه دارد و این اشخاص اصلاً نمیفهمند.

بنابر این عقیده بنده این است که آن مأمورینی که معین می شوند برای این کار خود آنها مکلف باشند که بروند و اسامی اشخاص را بنویسند و تحقیق احوال مردم را بکنند که تکلیفی بر رئیس خانواده هانهاست این است عقیده بنده.

رئیس- رأی میگیریم پیشنهاد آقای سلطان العلماء.
سلطان العلماء- پس میگردم
رئیس- پیشنهاد شده است که قیمومیت تبدیل بقیمومت شود. مخالفی ندارد.
(گفتند خیر)

رئیس- ماده دوم با پیشنهاد آقای معاون و اصلاح آقای نصرت الدوله قرائت می شود.

معاون وزارت داخله. اگر ممکن است این ماده ارجاع شود بکمیسیون چون برای اینکه با تحت توجه گرفته پیشنهاد شاهزاده نصرت الدوله و اینکه راجع بخانواده هم اساساً يك نظری بگیریم و معین کنیم که خانواده که اسم برده می شود شامل چه حدودی می شود و عائله در کجا باید ذکر شود چون فرض می شود که اساساً نمی شود اسم خانواده را کنار گذاشت و اسمش را گذاشت عائله و شاید در يك موردی لازم باشد خانواده استعمال کرد و در مورد دیگر عائله و باید حد و حصر هم معلوم باشد.

لهذا بنده تقاضا میکنم مراجعه شود بکمیسیون تا در آن جا در آن دقت کنیم و بعد بیايد بمجلس

مخبر- بنده هم تقاضا میکنم بکمیسیون مراجعه شود
رئیس- آقای مخبر هم تقاضای ارجاع می شود بکمیسیون پیشنهاد شده است جلسه ختم شود

جمعی از نمایندگان- صحیح است
رئیس- دستور فردا اولاً قانون سبج احوال بمجلس آقای عدل الملک پیشنهاد کرده اند رایورت کمیسیون بود چه به سهو (برنی) جزء دستور شود مخالفی ندارند؟ (بعضی گفتند خیر)

شیخ الرئیس- بنده هم پیشنهاد کرده بودم لایحه راجع به بندر جز جزء دستور شود خوانده نشد.
رئیس- لایحه راجع به بندر جز بعد از قانون سبج احوال یا قبل از آن جزء دستور شود؟

شیخ الرئیس- بعد از آن.
رئیس- آن رایورت را که آقای عدل الملک تقاضا کرده بودند جزء دستور شود هنوز حاضر نشده. راجع به بندر جز رأی می گیریم که جزء دستور شود در درجه دوم.

سهام السلطان- بنده مخالفم.
رئیس- بفرمائید.

سهام السلطان- بنده در یکی دو جلسه قبل هم عرض کردم که عقیده مندم به اینکه قانون هائی که بمجلس می آید بدهن آقایان نمایندگان متوجه به اوست آن قوانین تصویب شود و بعد يك قانون دیگری جزء دستور شود و گمان میکنم فردا پیش از قانون سبج احوال نشود به چیز دیگری پرداخت به این جهت بنده متقدم که اول قانون سبج احوال در مجلس مذاکره شود تا خاتمه پیدا کند و بعد از آن قانون دیگری مطرح شود.

رئیس- آقایانی که تقاضای شاهزاده شیخ الرئیس را تصویب میکنند
شیخ الرئیس- بنده توضیح دارم.

رئیس- بفرمائید.
شیخ الرئیس- معلوم نشد که آقای سهام السلطان چرا با پیش نهاد بنده مخالفت کردند بنده پیش نهاد کردم اگر وقت پیدا شد فردا بعد از قانون سبج احوال و الا اگر وقت پیدا نشد بمآند برای روز دیگر.

رئیس- مقصودتان این است وقتی قانون سبج احوال تمام شد آن وقت در آن مذاکره شود.

شیخ الرئیس- بلی ممکن است فردا تمام شود.

رئیس- بسیار خوب بعد از آنکه تمام شود. پیش نهاد دیگری شده است که قانون بلیه جزء دستور شود. آقای طهرانی.

(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی- بنده قانون بلیه را یکی از مؤسسات آزادی مملکت می دانم خاصتاً در ولایات و ایالات ایران يك وجوهی مردم به بلیه های آن جاها می دهند و این پولها صرف روشنائی و صعبه و سایر چیزهائی که لازم است برای ولایات نمی شود بواسطه اینکه میگویند ما قانون بلیه همان ناقص است و این قانون هم خیلی اهمیت دارد و پس از قانون اساسی قانون بلیه و انجمن های ایالتی و ولایتی است حالا در این دوره قانون بلیه آمده است به مجلس و نسبت به آن نظریاتی کرده اند و منتشر هم کرده اند و همه آقایان هم متوجه این نکته هستند از این جهت بنده استدعا میکنم که پس از شور دوم قانون سبج احوال قانون بلیه مطرح شود.

رئیس- این را بعد رأی می گیریم.
پس بالفعل دستور فردا همان قانون سبج احوال است.

بعضی از نمایندگان- صحیح است.
(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک منشی علی اقبال الممالک منشی معظم السلطان

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه هجدهم برج حوت ۱۳۰۳ مطابق دوازدهم شعبان ۱۳۴۳
مجلس تقریباً سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الممالک تشکیل گردید
(صورت مجلس روز قبل را آقای میرزا جوادخان راقرائت نمودند)
رئیس- صورت مجلس مخالفی ندارد؟
(مخالفتی نشد)
رئیس- آقای افشار
(اجازه)
افشار- دو سه هفته قبل بنده از